

مردی ۴ بار از نقشه همسرش برای قتل جان سالم به در برد

مردی از تصادف، غذای مسموم و دوبار با شلیک گلوله که از سوی همسرش تدارک دیده شده بود، جان سالم به در برد.

به گزارش سایت خبری پرسون، زن فریبکار که از دست رفتار شوهرش خسته شده بود با پرسه در اینستاگرام، مردی خشن را برای قتل شوهرش اجیر کرد. آدمکش اجاره‌ای چهار سناریوی خونین را برای اجرای نقشه عملی کرد، اما هر بار شوهر آن زن به بیمارستان منتقل می‌شد و از مرگ نجات پیدا می‌کرد. این مرد یک‌بار با تصادف، یک‌بار از غذای مسموم و دوبار هم با شلیک گلوله هدف قرار گرفته است!

ساعت ۷ صبح روز یک‌شنبه ۱۸ دی‌ماه امسال به مأموران پلیس تهران خبر رسید مردی بر اثر شلیک گلوله در نزدیکی خیابان نامجو در مرکز تهران زخمی و به بیمارستان منتقل شده است. از آنجا که حادثه با شلیک گلوله رخ داده بود، قاضی محمدجواد شفیعی، بازپرس ویژه قتل در بیمارستان حاضر شد. نخستین بررسی‌ها نشان داد پیمان کارمند یکی از ادارات دولتی است و زمان حادثه در نزدیکی خانه‌اش هنگام سوار شدن به اتوبوس سرویس اداره بوده که با شلیک گلوله به پیشانی‌اش زخمی شده است.

مأموران پلیس با بررسی دوربین‌ها، عامل حادثه را که با پارچه‌ای صورت خود را پوشانده بود، شناسایی کردند. بررسی‌ها نشان داد وی از ساعتی قبل در آن محل کمین کرده بود تا اینکه پیمان از خانه‌اش بیرون می‌آید و پس از کمی تعقیب کردن او را با شلیک گلوله زخمی و فرار می‌کند. از سوی دیگر مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند مرد زخمی ۲۹ شهریورماه هم در نزدیکی محل کارش از سوی مردی نقابدار هدف شلیک دو گلوله قرار گرفته بود. در آن حادثه پیمان با شلیک دو گلوله از ناحیه قفسه سینه زخمی شده بود، اما با تلاش پزشکان نجات پیدا کرد.

ردپای همسر

مأموران پلیس در بررسی‌های تخصصی متوجه شدند پیمان از مدتی قبل با همسرش به نام رؤیا اختلاف پیدا کرده است. بررسی‌ها نشان داد وی از چندی قبل با مردی در فضای مجازی ارتباط دارد. همچنین معلوم شد رؤیا پس از اینکه همسرش با شلیک گلوله از ناحیه سر زخمی می‌شود به همان مرد پیامکی ارسال می‌کند که شوهرش باز هم از پرتگاه مرگ نجات یافته و از وی می‌خواهد نقشه تازه‌ای برای قتل شوهرش طراحی و اجرا کند.

دستمزد ۲۰ میلیون تومانی برای قتل شوهر

با به دست آمدن این اطلاعات، تیم جنایی رویا را بازداشت می‌کند. متهم در بازجویی‌های ابتدایی منکر جرمش می‌شود، اما وقتی با دلایل و مدارک روبه‌رو می‌شود، اعتراف می‌کند که پس از آشنایی با مرد جوانی به نام تیمور، او را برای قتل شوهرش اجیر کرده است. وی گفت: ۲۳ سال قبل با شوهرم ازدواج کردم، زندگی خوبی داشتیم و صاحب دو فرزند شدیم. مدتی بعد، اما شوهرم اخلاقش تغییر کرد و وقتی هم با هم درگیر می‌شدیم مرا کتک می‌زد. از رفتارهای او خسته شده بودم تا اینکه تصمیم گرفتم شوهرم را از میان بردارم. سال ۹۹ در اینستاگرام با مردی آشنا شدم که از عکس‌های صفحه‌هایش مشخص بود مردی خشن است. او در تمامی عکس‌هایش یا چاقو به دست بود یا تفنگ همراه داشت، به همین دلیل من فکر کردم آن مرد می‌تواند نقشه قتل شوهرم را اجرا کند. ابتدا با او رابطه دوستانه برقرار کردم و از زندگی‌ام برایش توضیح دادم و درد دل کردم که شوهرم مرا اذیت می‌کند. پس از مدتی گفتم از رفتارهای شوهرم خسته شده‌ام و از او خواستم پیمان را به قتل برساند.

تیمور هم قبول کرد و چند بار نقشه قتل شوهرم را طراحی و اجرا کرد، اما پیمان هر بار از حادثه‌ها جان سالم به‌در می‌برد تا اینکه آخرین بار برای قتل شوهرم دستمزد ۲۰ میلیون تومانی درخواست کرد و من هم از پسر خاله‌ام ۲۰ میلیون تومان قرض کردم و به تیمور دادم، اما این‌بار هم شوهرم به قتل نرسید و دست ما را رو شد.

بازداشت تیرانداز

با اعتراف رؤیا، مأموران پلیس عامل تیراندازی را در محل زندگی‌اش در شهرستان کرج بازداشت کردند. متهم صبح دیروز مقابل قاضی محمدجواد شفیعی به جرم خود اعتراف کرد. وی در ادعایی گفت: من متأهلم و آبدارچی شرکت خصوصی هستم، اما چند سالی است که در اینستاگرام فعالیت زیادی دارم. سال ۹۹ در اینستاگرام با رؤیا آشنا شدم. او ابتدا گفت مجرد است و شوهرش فوت کرده، اما بعد گفت شوهرش او را اذیت می‌کند و وقتی اعتراض می‌کند کتک می‌خورد، به خاطر همین رفتارهایش از دست او خسته شده است و دیگر نمی‌تواند با او زندگی و می‌خواهد فردی را برای قتل شوهرش اجیر کند.

رؤیا مرا فریب داد و در نهایت تصمیم گرفتم شوهرش را از سر راه بردارم و قبل از آخرین حادثه سه بار نقشه قتل او را طراحی و اجرا کردم، اما هر بار پیمان با تلاش تیم پزشکی به زندگی بازگشت و چهارمین بار هم که تیری به پیشانی‌اش شلیک کردم و فکر می‌کردم کارش ساخته است باز هم خدا خواست و زنده ماند و دست ما را رو کرد.

متهم در شرح اولین نقشه گفت: رؤیا آدرس خانه و محل کار همسرش را به من داد و من چند باری شوهرش را از خانه تا محل کارش تعقیب و او را کامل شناسایی کردم. اولین بار نقشه قتل او را به صورت تصادف ساختگی طراحی کردم. چند ساعتی به تحویل سال ۱۴۰۰ مانده بود که با خودروی پراید به نزدیکی خانه‌اش رفتم و در آنجا منتظر ایستادم تا او از خانه بیرون بیاید.

پیمان با یک موتورسیکلت از خانه بیرون آمد و من او را با پراید تعقیب کردم و وقتی به خیابان خلوتی رسید به موتورسیکلتش زدم. پیمان نقش بر زمین شد و من فکر کردم که او فوت کرده است و به سرعت از آن محل گریختم، اما یک روز بعد رؤیا به من پیام داد که شوهرش به بیمارستان منتقل شده و از مرگ هم نجات پیدا کرده است.

متهم در شرح دومین نقشه هم گفت: رؤیا از من خواست نقشه دیگری طراحی کنم. این بار برای او مواد سمی خریدم و به او دادم تا در غذای شوهرش بریزد. قرار شد این پودر را در چند مرحله به غذای شوهرش اضافه کند تا باعث مرگ او شود. مدتی بعد رؤیا با من تماس گرفت و گفت سم اثری نداشته و پیمان هنوز زنده است. وی در شرح سومین نقشه هم گفت: بعد از آن رؤیا دوباره از من خواست بار دیگر نقشه‌ای طراحی کنم تا شوهرش از زندگی‌اش حذف شود، به همین خاطر اسلحه‌ای خریدم و تصمیم گرفتم این بار شوهرش را با شلیک گلوله به قتل برسانم. شهریورماه امسال پیمان را تعقیب کردم تا اینکه در نزدیکی محل کارش دو تیر به سویش شلیک کردم و از محل گریختم. این بار فکر می‌کردم او به قتل رسیده است، چون قلبش را هدف گرفته بودم، اما چند روز بعد رؤیا با من تماس گرفت و گفت برای سومین بار هم شوهرش از مرگ نجات پیدا کرده است و در بیمارستان تحت درمان قرار دارد. مدتی بعد پیمان از بیمارستان مرخص شد و به زندگی عادی برگشت.

متهم در شرح چهارمین نقشه گفت: پس از این رؤیا به سراغ من آمد و دوباره التماس کرد که شوهرش را بکشم. خسته شده بودم و دیگر نمی‌خواستم به خواسته او تن بدهم، اما آنقدر اصرار کرد که دوباره فریبش را خوردم و این بار از او خواستم برای خرید اسلحه‌ای جدید به من پول بدهد. به رویا گفتم اگر با همان اسلحه قبلی به شوهرش شلیک کنم، مأموران مرا شناسایی می‌کنند، به همین خاطر باید اسلحه تازه بخرم و با آن شوهرش را به قتل برسانم.

او ۲۰ میلیون تومان به من پول داد و من هم با ۱۵ میلیون تومان اسلحه‌ای خریدم و ۵ میلیون تومانش را هم پیش خودم نگه داشتم. روز حادثه به نزدیکی محل زندگی‌اش رفتم و وقتی پیمان از خانه بیرون آمد با پارچه صورتم را پوشاندم و او را تعقیب کردم تا اینکه در نزدیکی خودروی سرویس محل کارش تیری به پیشانی‌اش شلیک کردم و به سرعت از آنجا گریختم. اصلاً فکر نمی‌کردم که از این حادثه جان سالم به در ببرم، اما چند روز بعد رؤیا دوباره به من خبر داد که شوهرش از مرگ نجات پیدا کرده و در بیمارستان تحت درمان است.

پس از این صفحه اینستاگرامم را بستم و تمامی پیام‌هایی را که من برای رؤیا و رؤیا برای من فرستاده بود، پاک کردم تا شناسایی نشویم، اما سرانجام دست ما رو شد و گرفتار شدیم. دو متهم در ادامه برای تحقیقات بیشتر به دستور بازپرس جنایی در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفتند.

منبع: اعتماد آنلاین